

" چراغی که خاموش شدنی نیست "

به احترام ناصر زرافشان
و اعضای کانون نویسندگان در ایران

چگونگی شکل گیری و فعالیت های کانون نویسندگان ایران

20 سال پس از ضروری دانستن " تاسیس یک بنیاد اتحادیه گویندگان و نویسندگان " از سوی " کنگره نویسندگان ایران (تیرماه 1325) "، از اوایل سال 1345 جمعی از اهل قلم آزاداندیش و آزادیخواه زمزمه تاسیس تشکل صنفی و دموکراتیک شان را آغاز کردند.

زمزمه ها به بحث و جدل های فراوان در میان بخشی از روشنفکران و روشنگران اهل قلم بدل شد و سر انجام به همکاری گروه ها و جمع های ادبی متعدد در تهران (گروه تالار قندریز، گروه ادبی طرفه، جمع ادبی کافه فیروز و مطب دلگشا...) و شهرستان ها (محفل های ادبی در تبریز، اهواز و آبادان، اصفهان، شیراز و....) و نیز برخی دیگر از نویسندگان، شاعران و پژوهشگران، و شکل گیری کانون نویسندگان ایران منجر شد. این مجموعه علیرغم گرایش های هنری، فکری و سیاسی متفاوت و مختلف، بر بنیان خواست های حرفه ای مشترک و اهداف مشخص، همچون تامین حقوق مادی، مبارزه علیه سانسور، و دفاع و تلاش در راه تحقق آزادی اندیشه، بیان و قلم گرد هم آمدند.

با استناد به اسناد و گفت و شنود با اعضای قدیمی کانون نویسندگان " روایت " های متعددی در باره چگونگی شکل گیری کانون نویسندگان مطرح شده است. به نظر می رسد دو روایت مستند تر و مستدل تر باشد.

۱- رضا براهنی " محتوی فکری جلسه با هویدا و گزارش غلامحسین ساعدی " را در شکل گیری کانون نویسندگان ایران پر اهمیت می داند. او می نویسد: "....در سال 1345 وقتی که دولت به تمام ناشران مملکت دستور داد که کتاب را پس از چاپ و پیش از انتشار به اداره سانسور وزارت فرهنگ و هنر نشان دهند، و به همین علت تعداد زیادی از چاپخانه ها بیکار شدند، گروهی از نویسندگان کشور در تهران در مطب دکتر غلامحسین ساعدی، در خیابان دلگشا به دور هم گرد آمدند و دسته جمعی تصمیم گرفتند که پیش نخست وزیر رفته، به وجود سانسور اعتراض کنند....جلال آل احمد، احمد شاملو، درویش (شریعت)، غلامحسین ساعدی، سیروس طاهباز، یدالله رویایی و من، رفتیم به دیدن نخست وزیر..... آقای هویدا خود را از وجود سانسور بی خبر نشان داد....آل احمد گفت: ما برای اعتراض به سانسور آمده ایم... آقای هویدا مطرح کردند که چه پیشنهادی برای حل مشکل دارید؟ جواب داده شد که چاپ کتاب به وضع قبلی برگردد و دستگاه های سانسور وزارت اطلاعات و وزارت فرهنگ و هنر دست از سر اهل قلم بردارند.....در جلسه با هویدا ساعدی به عنوان نماینده ما انتخاب شد تا با نمایندگان نخست وزیر راجع به از بین بردن سانسور مذاکره کند..... ساعدی که دیگر از این جلسات و آمد و رفت و مذاکرات بیهوده خسته شده بود، روزی عصبانی می شود..... "

براهنی از قول ساعدی می نویسد: ".... آخرین جلسه ای بود که من بلند شدم و کاغذ را پاره کردم و آمدم رفتم کافه فیروز نادری و به برویچه ها اطلاع دادم که اصلاً چیزی نمی شود. آن موقع یکدفعه به فکر افتادم که ما یک تشکیلاتی ترتیب بدهیم. هسته کانون آنجا بسته شد."

سیروس طاهباز نیز " محتوای فکری جلسه با هویدا " و جلسات سال 1345 را آغاز شکل گیری کانون نویسندگان ایران میداند. رضا براهنی در رابطه با چگونگی شکل گیری کانون نویسندگان ایران به سیروس طاهباز مراجعه کرده، می نویسد: " او گفت، یعنی جمله اش را دیکته می کرد و من نوشتم: " فکر کانون در همان پاییز 45 در مطب ساعدی به پیشنهاد آل احمد مطرح شده است. بنده آل احمد و ساعدی را بنیانگذاران کانون نویسندگان ایران

می دانم. "

2- محمد علی سپانلو، داریوش آشوری، باقر پرهام و شمس آل احمد تحریر "کنگره نویسندگان و شاعران و مترجمان" ی، که "دربار" در صدد برپایی آن بود را سر آغاز شکل گیری کانون نویسندگان ایران می دانند. سپانلو در گفت و گویی می گوید: ".... در زمستان سال 1346 شمسی از سوی دولت وقت مقدمات تشکیل کنگره ای به نام کنگره ی نویسندگان ایران فراهم می شد. ... و محفلی از جوانان نویسنده که در یکی از پاتوق های روشنفکری تهران پیرامون زنده یاد جلال آل احمد گرد می آمدند به او پیشنهاد کردند که به نام نویسندگان مستقل ایران، بانی تنظیم اعلامیه و جمع آوری امضاهایی شود علیه این کنگره که از نظر آنها دولت ساخته و فرمایشی بود. حمایت آل احمد از این پیشنهاد باعث شد که پس از چند جلسه گفتگوی مقدماتی، سر انجام در اول اسفند ماه 1346 متنی نوشته شود به نام "بیانیه در باره کنگره ی نویسندگان"..... گروه اولیه که این متن را تهیه کردند عبارت بودند از: جلال آل احمد، داریوش آشوری، نادر ابراهیمی، بهرام بیضایی، محمد علی سپانلو، اسلام کاظمیه، فریدون معزی مقدم، اسماعیل نوری علاء و هوشنگ وزیری..... پشتیبانی نویسندگان، شعرا و مترجمان از این بیانیه سبب شد که دولت وقت رسماً انصراف خود را از تشکیل کنگره نویسندگان اعلام کند. امضا کنندگان.... بر آن شدند تا از این تجمع برای تشکیل همان اتحادیه آزاد قانونی که در آن متن آمده بود، استفاده کنند."

نقطه اشتراک در روایت های چند گانه در باره چگونگی تاسیس کانون این است که: از اوایل سال 1345 سانسور و اختناق تشدید شده، نگرانی ها و اعتراضات اهل قلم مستقل، آزاد اندیش و آزادیخواه را به همراه داشت. کوشش های ناموفق برای صدور اعلامیه و جمع آوری امضا در اعتراض به توقیف هفته نامه ی "بارو" (که به کوشش شاملو و رویایی منتشر می شد) ویا تحریر جشن هنر شیراز نمونه هایی از این دست اعتراض ها بودند. با انتشار بیانیه تحریر "کنگره شعرا و نویسندگان و مترجمان ایران" سرانجام زمره ها و اعتراض ها ثمر داد و شعله ی چراغ خاموش نشدنی کانون نویسندگان ایران افروخته شد، کنگره ای که: ".... رژیم شاه با دستگیری وزارت فرهنگ و هنر پهلیدی... به رهبری همسر شاه که جمعی از عوامل فرهنگی دست آموز دوروبر اورا گرفته بودند.... از جمله سرشناس ترین و مستقیماً شناخته شده ترین شان شجاع الدین شفا بود که امور فرهنگی در بار پهلوی را سامان می داد" تدارک دیده بود.

بیانیه تحریر کنگره، که اول اسفند ماه سال 1346 نوشته شد را 49 تن از شاعران، نویسندگان، مترجمان و پژوهشگران امضا کردند. " اولین جلسه رسمی هییت موسس کانون نویسندگان ایران در تاریخ 15/1/47 تشکیل شده ... و ".... پس از چند جلسه بحث و گفت و گو سرانجام در اول اردیبهشت ماه 1347 در یک گرد همایی عمومی 49 نفر نویسنده به عنوان هییت موسس شروع کار تشکیلاتی به نام "کانون نویسندگان ایران" را اعلام کردند. این هییت علاوه بر تاسیس و امضای اساسنامه، متنی را به نام در " باره یک ضرورت" تحریر و امضا کرد که مراننامه کانون نویسندگان ایران شناخته شد...."

بنابر این کانونیان خواست های خود را در دو سند یا بیان نامه منعکس کردند:

- بیانیه در باره کنگره نویسندگان (و اعلام تحریر آن) - اول اسفند ماه 1346

- بیان نامه " در باره یک ضرورت" ، اردیبهشت ماه سال 1347

کانون نویسندگان ایران دوره اول فعالیت اش را با اتکا به دو سند فوق و " اساسنامه " مصوبه هییت موسس آغاز کرد.

فعالیت های درونی کانون نویسندگان، فعالیت هایی برای بقا و گسترش دموکراتیسم سازمانی و زندگی دموکراتیک درون تشکیلاتی، با اتکا به اساسنامه از بدو تاسیس کانون آغاز شد. برگزاری مجمع عمومی، انتخاب هییت دبیران و کمیسیون های مختلف، برقراری جلسات متعدد بحث و تبادل نظر پیرامون مقوله های کلیدی برنامه ای و سازمانی در باره کانون و..... نمونه اند.

موارد زیر برخی از **فعالیت های بیرونی** کانون نویسندگان را شامل می شود:

- اقدام و تلاش برای ثبت کانون در اداره ثبت شرکت ها، که دولت نپذیرفت.

- ارائه لایحه حق مولف که از تصویب مجلس گذشت و اعتبار قانونی یافت.

- برگزاری سخنرانی به آدین با عنوان " نویسنده و آزادی" ، برگزاری سخنرانی داریوش آشوری در باره "

صورت نوعی تمدن غرب و وضعیت ما در مقابل آن" ، سخنرانی رضا سید حسینی در باره "پل نیزان".

- انتشار بولتن اخبار کانون نویسندگان ایران.

- برگزاری شکوهمند " شب نیما" در دیماه سال 1347، با سخنرانی و شعر خوانی سیمین دانشور، اسماعیل شاه‌رودی، سیاوش کسری، رضا براهنی، محمد حقوقی، نادر نادر پور، منوچهر آتشی، سیروس مشفق، منوچهر شیبانی، م. آزاد، محمد علی سپانلو، احمد شاملو، جلال‌الاحمد و...

- انتشار اعلامیه اعتراض به دستگیری فریدون تنکابنی به خاطر نوشتن کتاب " یادداشت‌های شهر شلوغ"
- افشای قلم شکنی‌های رژیم در داخل و محافل بین‌المللی

- کانونیان در این دوره در انتشار نشریات متعدد و نیز برگزاری شب‌های شعر و سخن نقش اساسی ایفا کردند. شب‌های شعر خوشه" به همت احمد شاملو، سر دبیر مجله‌ی خوشه (28-24 شهریور 1347)، یک نمونه است. این شب‌ها با حضور ده‌ها تن از برجسته‌ترین شاعران میهنمان یکی از پرشکوه‌ترین شب‌های شعر تاریخ معاصر ایران بود. شب‌های شعر انستیتوگوتته" در سال 1347 نیز نمونه‌ای دیگر است.

فعالیت این دوره کانون در سال 1349 متوقف شد. رژیم شاهنشاهی که از دادن مجوز به کانون سر باز زده بود، به دستگیری و زندانی کردن برخی از اعضای کانون، تهدید، ارباب و ممنوع القلم کردن تعدادی دیگر و آوردن امکانات فعالیت کانون را محدودتر کرد. فشار رژیم از یک سو و مشکلات و مسایل درونی کانون از سوی دیگر کار کانون را به تعطیلی کشاند. در باره مشکلات و مسایل درون کانونی می‌توان به باند بازی و دسته‌بندی‌های سیاسی و ایدئولوژیک، داشتن درک حزبی از فعالیت صنفی و دموکراتیک، خودمحوری و خودخواهی، کمبود عضو مستقل و مسیولیت‌پذیر، فرصت‌طلبی و کمبود شجاعت ضرور اشاره داشت.

دوره دوم فعالیت کانون، پس از حدود 6 سال " تعلیق اجباری" و ممنوعیت فعالیت علنی کانون، از اواخر سال 1355 آغاز شد. کانونیان در فاصله سال‌های 1349 تا اواخر سال 1355 به طور پراکنده به فعالیت فرهنگی و هنری (ادبی) خود در انجمن‌ها و محافل متعدد ادامه دادند.

سال 1355 تعدادی از اعضا قدیمی کانون و تنی چند از نویسندگان و پژوهشگران (علی اصغر حاج سید جوادی، باقر پرهام، اسلام کاظمیه، منوچهر هزارخانی و شمس‌الاحمد) در دیدار هایشان توافق کردند که کانون نویسندگان را مجدداً فعال کنند.

کانونیان با انتشار نامه سرگشاده‌ای خطاب به امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر وقت، (23 خرداد ماه 1356) فعالیت علنی خود را آغاز کردند. در این نامه، که امضای 40 تن از اهل قلم را در پای خود داشت، کانونیان خواستار رعایت مواد قانون اساسی در رابطه با آزادی اندیشه و بیان و قلم، و لزوم توجه به رشد و شکوفایی فرهنگی و خلاقیت‌های فکری در جامعه شدند.

سوم تیر ماه 1356 نخستین جلسه عمومی کانون در دفتر کار مهندس مقدم مراغه‌ای برپا شد و " هیئت دبیران موقت" انتخاب شدند. در این نشست نامه سرگشاده‌ای دیگری با امضای 90 نفر از شاعران، نویسندگان، مترجمان و پژوهشگران خطاب به نخست‌وزیر وقت، جمشید آموزگار تهیه و منتشر شد. در این نامه نیز عدم توجه و رعایت اصول قانون اساسی در باره آزادی اندیشه و بیان و قلم از سوی حکومت به نخست‌وزیر گوشزد شد. این نامه و نیز نامه سرگشاده به امیرعباس هویدا هرگز پاسخی نگرفت.

خواست‌های کانونیان در این دوره، خواست‌های مندرج در اسناد پیشین بود (بیانیه تحریم کنگره نویسندگان، سال 1346، بیان نامه" در باره یک ضرورت"، سال 1347 و اساسنامه کانون)، خواست‌هایی که در نامه‌های سرگشاده به هویدا و آموزگار نیز انعکاس یافته بودند.

پس از چندی سند " موضع کانون نویسندگان ایران و اساسنامه کانون نویسندگان ایران (مصوب مجمع عمومی مورخ 31 فروردین ماه سال 1358) سند پر اهمیت کانون تلقی شد. این بیان نامه و اصول مندرج در اساسنامه کانون در واقع بیانگر ماهیت حرکت‌های درونی و اجتماعی، و تبلور خرد جمعی اکثریت اعضای کانون نویسندگان ایران بود.

کانون نویسندگان در **فعالیت‌های درونی اش** در این دوره برای تامین و گسترش دموکراتیسم درون تشکیلاتی تلاش‌های چشمگیری انجام داد. برگزاری مجامع عمومی، انتخاب هیئت دبیران، انتخاب کمیسیون‌های متعدد، برقراری جلسات گفت و شنود و تبادل نظر در رابطه با زندگی درونی کانون و مباحثی همچون صنفی یا سیاسی بودن کانون در زمره‌ی این نوع تلاش‌ها بود. زندگی کانون در این دوره نیز با پیرایه‌های عدم تحمل، دسته‌بندی و باند بازی‌های سیاسی، ایدئولوژیک و محفلی، سیاست‌زدگی و درک حزبی از فعالیت صنفی، خودمحوری و خودخواهی، کمبود عضو مسبق و مسیولیت‌پذیر، و حضور فرصت‌طلبی همراه بود. جدایی علی اصغر حاج سید جوادی، باقر مومنی و... و نیز رویداد اخراج و جدایی اعضا و هواداران حزب توده ایران از کانون نویسندگان در سال 1358، بازتاب مسایل طرح شده در زندگی درونی کانون نویسندگان ایران بودند.

برخی از **فعالیت‌های بیرونی** کانون در این دوره شامل موارد زیر اند:

- تلاش برای ثبت رسمی کانون نویسندگان، که با مخالفت دولت مواجه شد.

- انتشار بیش از 20 بیانیه پیرامون رخداد های فرهنگی، سیاسی تا انقلاب بهمن 1357، (اعلامیه به مناسبت مرگ علی شریعتی (29 خرداد 1356)، انتشار اعلامیه ای در سالروز مشروطیت (14 مرداد 1356) که در آن کانون خواستار آزادی اهل قلم در بند و سایر زندانیان سیاسی شد بیانیه ای در حمایت از جنبش دانشجویی (14 آذر ماه 1356)، بیانیه ای در اعتراض به دستگیری شمس آل احمد، بیانیه ای در اعتراض به اخراج نویسندگان و روزنامه نگاران مبارز و.....

- برگزاری "ده شب" شعر و سخن در محل انستیتو گوته (انجمن فرهنگی ایران و آلمان) در تهران. این شب ها از دوشنبه 18 تا چهارشنبه 27 مهر ماه سال 1356، برگزار شد، این رویداد "بی شک تجربه ای شور انگیز و حادثه ای پر معنا در زندگی فرهنگی و اجتماعی " ایران آن روز بود. در "ده شب" 60 شاعر، نویسنده، مترجم و پژوهشگر شرکت داشتند.

- جلب حمایت اهل قلم و محافل فرهنگی و هنری در جهان از تلاش ها و خواست های دموکراتیک کانونیان.

- برگزاری جلسات سخنرانی و شعر خوانی در دانشگاه ها و مکان های دیگر، و نیز در دفتر کانون در خیابان مشتاق

- انتشار بولتن داخلی، خبرنگار کانون، نامه کانون نویسندگان ایران، نشریه اندیشه آزاد و.....

- دیدار با آیت الله خمینی و توضیح مواضع کانون برای او، نامه های شکرگشاده به وزیر ارشاد اسلامی و به ابوالحسن بنی صدر در رابطه با خواست های کانونیان.

- تدارک برگزاری دومین "ده شب" با عنوان شب های "آزادی و فرهنگ" در مهر ماه 1358، این برنامه به دلیل مشکل تراشی های دولت اسلامی و نیز اختلاف نظرهای درون کانون عملی نشد.

- انتشار ده ها اطلاعیه و بیانیه در رابطه با رویداد های فرهنگی، هنری و سیاسی بعد از انقلاب بهمن: بیانیه در اعتراض به تعطیلی روزنامه آیندگان و سایر روز نامه ها، بیانیه به مناسبت سالگرد 17 شهریور، بیانیه در اعتراض به رفتار ضد دموکراتیک قوه قضاییه با اهل قلم و سایر هنر مندان، بیانیه در باره رویداد ها خونین در دانشگاه ها و در باره حمله به کتاب فروشی ها و کتاب سوزان ها و.....

سال 1360، حکومت اسلامی به عنوان اصلی ترین عامل، با زبان و رفتاری خشونت آمیز، کانون نویسندگان ایران را به تعطیلی کشاند. اعدام سعید سلطانپور، عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان، دستگیری برخی از اعضای کانون، و بالاخره حمله به دفتر کانون در خیابان مشتاق، تخریب و مصادره اموال آن در تیر ماه سال 1360، نقطه پایانی بود بر فعالیت های دوره دوم کانون نویسندگان ایران.

دوره سوم فعالیت کانون از سال 1367 آغاز شد. فاصله ی سال 1360 تا 1367، که سال های تشدید اختناق و کشتار دگراندیشان بود، عدهای از کانونیان تن به تبعید دادند و آنان که در ایران ماندند به اجبار به فعالیت های انجمنی، گروه ای و محفلی روی آوردند.

سال 1367 کانونیان بار دیگر جسورانه پا پیش گذاشتند و خواست های خود را مطرح کردند. طرح مسایل مربوط به کمبود کاغذ، برگزاری سالگرد نیما و.... گردهمایی ها، متن نویسی ها، اعتراض به سانسور و... سرانجام بحث فعال کردن کانون نویسندگان را به همراه داشت. اعلام همدردی و یاری رساندن جمعی از روشنفکران اهل قلم به زلزله زدگان کشور در سال 1369 بحث فعال کردن کانون نویسندگان را مطرح تر کرد، تا آن حد که این مساله به عرصه مطبوعات کشور کشانده شد. در تداوم همین تلاش ها اواخر سال 1369 در یک گرد همایی غیر رسمی، تعدادی از شاعران، نویسندگان، مترجمان و پژوهشگران طرحی با عنوان "پیش نویس منشور کانون نویسندگان ایران" تدوین کردند. در این پیش نویس به وجود سانسور و هرگونه ممیزی اعتراض شده بود، و امضا کنندگان خود را مکلف به دفاع از آزادی اندیشه و بیان و قلم کرده بودند و به صراحت نیز خواستار تجدید فعالیت کانون نویسندگان شدند. این پیش نویس به خاطر پاره ای اختلاف نظر ها، مسایل مربوط به فتوای قتل سلمان رشدی در ایران و تهدید های حکومت گران مسکوت ماند. با این حال اما بحث پیرامون تجدید فعالیت کانون نویسندگان در مطبوعات ادامه یافت. اعتراض جسورانه به دستگیری سعیدی سیرجانی (23 اسفند 1372)، و سپس انتشار متن "ما نویسنده ایم"، که به امضای 134 شاعر، نویسنده، مترجم و پژوهشگر رسیده بود (23 مهر ماه 1373)، حرکاتی موثر در فعالیت مجدد کانون، مبارزه علیه سانسور، و دفاع از آزادی اندیشه و بیان و قلم بود.

پس از انتشار متن "ما نویسنده ایم"، متنی که بیان حضور اجتماعی روشنفکران و روشنگران اهل قلم برای دستیابی به تشکلی صنفی و دموکراتیک و جامعه ای دموکراتیک بود، حکومت اسلامی پاسخ شناخته شده ی خود را داد. توهین، تهدید، ارباب شلاق زندان، شکنجه و کشتار پاسخ حکومت اسلامی به خواست اهل قلم بود. دستگیری، بازجویی و آزار برخی از نویسندگان و روز نامه نگاران، نقشه کشتار دسته جمعی نویسندگان با پرتاب اتوبوس

حامل آن ها به قعر دره (17 مردادماه 1375)، دستگیری فعالین کانون، قتل سعیدی سیرجانی و احمد میر علایی و اکتش حکومت گران به تلاش های اهل قلم و متن " ما نویسنده ایم" بود.
کانونیان اما به تلاش خود ادامه دادند و با برگزاری جلسات متعدد و مشورتی سرانجام پیش نویس جدید منشور کانون نویسندگان ایران را" با توجه به روح عمومی و بیانیه اول کانون (اردیبهشت 1347) و موضع کانون نویسندگان ایران(مصوب فروردین ماه 1358) و با استناد به متن " ما نویسنده ایم"(23 مهر ماه 1373) تصویب و منتشر ساختند(18 شهریور 1375).

کانونیان در اصل نخست متن پیش نویس این منشور خواست خویش را تکرار کردند: " آزادی اندیشه و بیان و نشر در همه ی عرصه های حیات فردی و اجتماعی، بی هیچ حصر و استثنا حق همگان است." حکومت اسلامی اما با دستگیری فرج سر کوهی، و به قتل رساندن غفار حسینی، احمد تفضلی و ابراهیم زال زاده بر آن شدتا زهر چشم دیگری از کانونیان بگیرد.

پس از " فراخوان کمیته برگزاری مجمع کانون نویسندگان ایران" (20 مردادماه 1377) ماشین کشتار حکومتی و قاتلین شاغل در وزارت اطلاعات و محافل وابسته به آن برای کشتار اهل قلم سریع تر به راه افتاد. حمید حاجی زاده شاعر و پسر ده ساله اش کارون، مجید شریف، پیروز دوانی، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده به قتل رسیدند. کشتارها اما مانع ادامه ی تلاش های آزادیخواهانه کانونیان نشد. 13 اسفند ماه سال 1377 نخستین نشست عمومی کانون نویسندگان ایران، پس از 17 سال تلاش پیگیر و خونباربخشی از روشنفکران و روشنگران اهل قلم، با حضور 70 تن از اعضای کانون نویسندگان ایران برگزار شد. "هیبت دبیران موقت" برگزیده ی این نشست با اتکا به متن پیش نویس منشور کانون نویسندگان ایران(مصوبه 18 شهریور 1375) وظایف خود را پیش برد. پنج شنبه 4 آذر ماه 1378 کانون نویسندگان ایران نخستین مجمع عمومی دوره سوم فعالیت اش را با حضور 120 شاعر، نویسنده، مترجم و پژوهشگر، و با پیام احمد شاملو و سیمین دانشور آغاز کرد. پس از انتخاب هیبت دبیران، منشور و اساسنامه به تصویب مجمع عمومی رسید، و بدین ترتیب کانون نویسندگان ایران دوره سوم فعالیت علنی خود را با استناد به دو متن ادامه داد.

- متن پیش نویس منشور کانون نویسندگان ایران(مصوبه شهریور ماه 1375 جمع مشورتی)

- اساسنامه کانون نویسندگان ایران، (مصوبه 19 مردادماه 1378)

بربنیاد این دو متن کانون نویسندگان ایران فعالیت های صنفی و دموکراتیک اش را تا به امروز(فروردین سال 1386) هوشمندانه و جسورانه ادامه داده است.

به نظر می رسد فعالیت های این دوره کانون کم تر از دو دوره ی قبل پیرایه های غیر دموکراتیک، کج روی و کج اندیشی داشته است. تجربه دو دوره ی گذشته، سال ها کار فکری و عملی در شرایط سخت، جای چندانی برای حضور و تکرار خطا های گذشته باقی نگذاشته است. با اینحال رگه هایی از حضور فرصت طلبی، خود خواهی و خود محوری، و کمبود شجاعت ضرور و عضو مسیولیت پذیر هنوز وجود دارد.
فعالیت های درونی کانون علی رغم فشارهای رژیم اسلامی و نیز مرگ هوشنگ گلشیری، احمد شاملو و منوچهر آتشی، چهره های پر نفوذ و موثر کانون، و نیز دستگیری و تهدید مسیولین و اعضای کانون، ادامه یافت. بهره وری از خرد جمعی اعضا با برپایی و برگزاری جمع های متعدد مشورتی، گفت و شنید و تبادل نظر، انتخاب مسیولین، نشست عمومی و انتخاب هیبت دبیران، و تلاش برای برگزاری مجامع عمومی نمونه هایی از فعالیت کانون برای بقا و گسترش دموکراتیسم درون تشکیلاتی اش بوده است. سوی دیگر حکومت اسلامی هر فرصتی که می یافت و می باید دشمنی اش را با کانون نویسندگان نشان داده و می دهد. این حکومت مانع برگزاری چهارمین مجمع عمومی کانون، که قرار بود در تاریخ 1381/9/21 برگزار شود، شد. چهار سال بعد نیز دادستانی اسلامی از برگزاری مجمع عمومی کانون، که قرار بود در محل مسکونی شخصی، برگزار شود ممانعت به عمل آورد.(1385/1/24)

فعالیت های بیرونی کانون نیز در زیر فشار طاقت فرسای حکومت اسلامی ادامه یافته است.

- تلاش برای ثبت کانون و کسب مجوز رسمی از دولت و مسیولین مملکتی بی نتیجه ماند و حکومت اسلامی هم چون رژیم پهلوی با صدور مجوز رسمی برای فعالیت کانون مخالفت کرد.

- راه اندازی تارنمای کانون و انتشار کتاب (صدای آواز و....) از فعالیت های این دوره کانون نویسندگان بود، ضمن اینکه کانونیان در انتشار بسیاری از نشریات، راه اندازی تارنما ها و نیز انتشار کتاب نقش اساسی ایفا کردند (کارنامه و....)

- برگزاری جلسات سخنرانی، شعر خوانی و گفت و شنید به مناسبت های مختلف.

- انتشار ده ها اطلاعیه در باره رویداد های فرهنگی , هنری , اجتماعی و سیاسی (اعتراض و انتقاد به مصوبات قانون نشر , اطلاعیه در باره روز جهانی زبان مادری , اعتراض به تخریب سنگ مزار شاملو , اطلاعیه در باره زلزله در ایران , اعتراض به محکومیت دستگیر شدگان اول ماه مه در سقز , سانحه هواپیمای سی - 130 و)
 - انتشار پیام های تسلیت در سوگ فرهنگ سازان و فرهنگ ورزان میهنمان و نیز برگزاری مراسم در سوگ برخی از آنان . (.... هوشنگ گلشیری , حسن پستا , فریدون مشیری , احمد شاملو , نصرت رحمانی , روشنگ داریوش , شاهرخ مسکوب , کریم امامی , منوچهر آتشی , م . ا . به آذین , علی رضا اسپهبد و)
 - اعتراض به دستگیری و زندانی کردن اعضای کانون نویسندگان ایران , و دیگر روشنفکران و روشنگران جامعه . (دستگیری ناصر زرافشان , محمد خلیلی , علی جباری , حکیمی , اسماعیل جمشیدی , رامین جهانبگلو مسعود باستانی و)
 - گرامی داشت جان باختگان اهل قلم (محمد مختاری , محمد جعفر پوپنده و)
 - تلاش در برقراری رابطه با تشکل های صنفی مستقل در داخل و خارج کشور . (اتحادیه ناشران در ایران , انجمن جهانی قلم و)
 - انتشار اطلاعیه ها و پیام های متعدد در افشای حاکمیت اختناق , سانسور و دگراندیش کش . (هشدار و خطابیه به مردم ایران در باره موج جدید اختناق و سرکوب , اطلاعیه خطاب به آزاداندیشان جهان در باره ی ناصر زرافشان و)
 و گوشه هایی از فعالیت های کانون نویسندگان ایران هستند , فعالیت هایی که تعطیل شدنی به نظر نمی رسند .
 ادامه دارد .

برخی از منابع :

- 1- اسلام کاظمیه , در باره یک ضرورت , آرش , شماره 17 , فروردین و اردیبهشت 1347
- 2- غلامحسین ساعدی , تاریخ شفاهی ایران , مصاحبه دانشگاه هاروارد با دکتر ساعدی , الفبا , شماره 7 , 5 آوریل 1849 , مصاحبه کننده : ضیا صدقی
- 3- رضا براهنی , تاریخ کانون نویسندگان (روایتی دیگر) کلک , شماره 6 , شهریور 1369
- 4- رضا براهنی , ظل الله , شعر های زندان , چاپ اول , چاپ ابجد , نیویورک 1354
- 5- محمد علی سپانلو , خاطراتی از فصل اول کانون نویسندگان ایران 49- 1346 , کلک , شماره 4 , تیرماه 1369
- 6- پیام دانشجو , نشریه " کمیته برای آزادی هنر و اندیشه در ایران (کیفی) - آمریکا - شماره های متعدد
- 7- شمس لنگرودی , تاریخ تحلیلی شعر نو , تاسیس کانون نویسندگان ایران , جلد سوم 1341-1349 نشر مرکز , 1377
- 8- باقر پر هام , نگاهی به جنبش روشنفکران ایران , کتاب جمعه , آبان ماه 1358
- 9- شمس آل احمد , از چشم برادر (در باره جلال آل احمد) , یادداشت های روزانه , انتشارات کتاب سعدی , قم , تابستان 1369
- 10- اسماعیل نوری علاء , روزنامه کیهان , شماره 10901 , مورخ 58/10/18
- 11- نادر نادر پور , گفت و گو با محمود خوشنام , " من در آوردی به جای نو آوری " , کیهان (چاپ لندن) , شماره 661 ژوئن 1997
- 12- باقر پر هام , مقالات حزب توده و کانون نویسندگان ایران , کتاب جمعه , شماره 25 , 26 , 27 , 28 , بهمن و اسفند 1358
- 13- گفت و گوی سیروس نشواد با اسلام کاظمیه (ما فریاد یک ملتیم) , دیدار , شماره 2 , سال اول ص 6.
- 14- گزارش جواد مجابی , روزنامه هرات و دیگر شهرها , سیمرخ , سال هشتم , شماره 61 , بهمن 74
- 15- یاد نامه جلال آل احمد , به کوشش علی دهباشی , نشر به دید (تهران) , سال 1378
- 16- م . ا . به آذین , از هر دری ... جلد اول , انتشارات جامی , تهران 1370

17- به یاد سیروس طاهباز، دو ماهنامه پایاب، سال اول، شماره 2، دی ماه 1378
18- شب یاد بود نیمایوشیچ، گفت و گوی جلال آل احمد، نامه کانون نویسندگان، سال 1358

- 19- ایرانشهر به سر دبیری احمد شاملو، 10 آذر ماه 1357 (لندن)
20- باقر پرهام، تجارب گذشته کانون نویسندگان ایران، و ضرورت های کنونی، پاریس 29 آذر ماه 1989
21- باقر مومنی، از یک در به صد در، آدینه، شماره 89،
22- بولتن خبری کانون نویسندگان ایران، بهمن 1365
23- ده شب (شب های شاعران و نویسندگان در انجمن فرهنگی ایران و آلمان)، انتشارات امیر کبیر، 1356
24- ناصر پاکدامن و محسن یلفانی، بررسی و ارزیابی یک تجربه، سخنرانی در نشست همگانی کانون نویسندگان ایران در تبعید، پاریس، دی ماه 1367
25- کریستف بالایی، از کنگره تا کنگره ای دیگر، ترجمه شهین سراج، ماهنامه فرهنگی و هنری کلک، آبان - دی 1374، شماره 68-70
26- باقر مومنی، درد اهل قلم، انتشارات توکا، سال 1356
27- اندیشه آزاد، شماره های منتشره در سالهای 1358 و 1359
28- نامه کانون نویسندگان، از شماره 1 تا شماره 5 (سال های 1358 و 1359)
29- خبر نامه کانون نویسندگان ایران، شماره های 1 و 2 و 3 (سال 1358)
30- نشاط، "فعالیت تازه کانون نویسندگان آغاز شد"، شنبه 15 اسفند ماه 1377، شماره 13
31- مسعود نفره کار، بخشی از تاریخ جنبش روشنفکری ایران، بررسی تاریخی، تحلیلی کانون نویسندگان ایران، 5 جلد، نشر باران، سال 2002